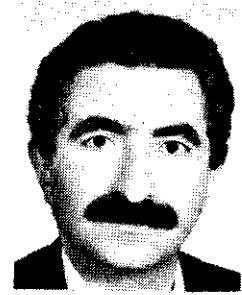




ارزیابی نظام بانکداری در ایران



نیرمان ایلخانی

همین تفاوت، عیناً در مورد وسایل، روشها و معیارهای اندازه گیری یا سنجش عملکرد سیستمهای اقتصادی و اجتماعی، نسبت به سیستمهای فیزیکی نیز مصداق دارد. به عنوان مثال، ارزیابی پیشرفت تحصیلی دو دانش آموز را در نظر بگیرید که برای یکی امتحان پایان سال و برای دیگری پرسشهای اتفاقی که در کلاس از او می شود، ملاک ارزیابی قرار گیرد و اندازه گیری کمیت پیشرفت هر دو نیز با معیار نمره های بین صفر تا بیست انجام شود. چنانکه در این مثال روشن است، به رغم یکسان بودن تقریبی روش ارزیابی و معیار اندازه گیری پیشرفت تحصیلی هر دو دانش آموز، نمرات اختصاص داده شده به هر یک، بسختی ممکن است بیانگر ارزیابی یکنواخت و ملاک مقایسه آن دو با یکدیگر باشد.

به هر صورت در موازاتی که تعیین بهترین شرایط یک سیستم، یا داشتن معیاری برای اندازه گیری عملکرد آن سیستم عملی نباشد، ارزیابی آن به آسانی ممکن نیست؛ علاوه قضاوتهایی که از این راه به دست داده می شود، از اعتبار کافی برخوردار نخواهد بود.

ارزیابی سیستم بانکداری بدون زنا نیز که اکنون هشت سال از اجرای آن در کشور ما می گذرد، به دلیل آنکه تاکنون الگوی تجربه شده و منسجمی برای آن وجود نداشته است، با دشواریهای بسیاری روبروست. از این رو، در این مقاله که هدف آن ارزیابی سیستم بانکداری کنونی کشور است، مبنای ارزیابی بر خصوصاتی که در زیر بر شمرده می شود و به نظر نگارنده ویژگی بانکداری بدون ریاست گذاشته شده و از معیارهای عام ارزیابی سیستمهای بانکداری استفاده نشده است.

برای سیستم بانکداری کنونی ما ویژگیهای زیر را می توان در نظر گرفت:

- ۱ - با توجه به حرمت ربا در اسلام نظام بانکداری مربوط به گونه ای طراحی و اجرا شده که در آن بهره پول وجود نداشته باشد.
- ۲ - نظام بانکی در هر حال باید پاسخگوی نیازهای جامعه به فعالیتهای و کاربری یک سیستم

وسیله یا روشی برای اندازه گیری آن (دماسنج) ضروری است. نداشتن معیار و وسیله یاد شده یا هر یک از آنها سبب می شود که سنجش عملکرد سیستم حرارتی بدن امکان پذیر نگردد. به هر حال ارزیابی عملکرد سیستم حرارتی بدن در مقایسه با بسیاری از سیستمها ساده به نظر می رسد، حال آنکه در مورد همه سیستمها به آسانی صورت نمی گیرد و پیچیدگیهای به نسبت متفاوتی دارد. از این نظر سیستمهای فیزیکی به دلیل امکان سود جستن از روش شناسی علوم تجربی به نسبت ساده تر است و با دقت بیشتری ارزیابی می شود ولی سنجش عملکرد سیستمهای اجتماعی و اقتصادی به نسبت دشوار است. به طوری که شاید تعیین بهترین شرایط یا شرایط استاندارد در مورد سیستمهای فیزیکی عملی باشد، اما تعیین همین شرایط در مورد سیستمهای اقتصادی و اجتماعی اگر نه غیر عملی، دست کم بسیار پیچیده است و به هر حال با همان دقتی که در سیستمهای فیزیکی به کار می رود، ناممکن است.

یکی از روشهای معمول ارزیابی عملکرد سیستمهای مختلف، مقایسه این عملکردها در شرایط عادی با عملکرد پیش بینی شده در شرایط ایده آل یا بهترین شرایط ممکن است. به عنوان مثال عملکرد سیستم حرارتی بدن آدمی باید در بهترین شرایط درجه حرارت بدن را در حدود ۳۷ درجه سانتیگراد ثابت نگه دارد و روشن است چنانکه درجه حرارت بدن هر اندازه بیشتر یا کمتر از این باشد، در هر دو صورت می توان گفت که سیستم حرارتی بدن بدرستی کار نمی کند. البته برای دستیابی به قضاوت درست، آگاهی از میزان درجه حرارت بدن در بهترین شرایط (۳۷ درجه سانتیگراد) و داشتن

بانکی که از نظر اقتصادی کارآمد است باشد. با توجه به این توضیحات می‌توان عملکرد نظام بانکی بدون ربا را در پیرامون دو محور فوق بررسی کرد. در مورد محور اول، بحث بیشتر جنبه نظری خواهد داشت و در مورد محور دوم می‌توان عملکرد سیستم بانکی ایران را با دیگر کشورها، بویژه آنها که کارایی بیشتر و بالاتری دارند، سنجید.

ویژگیهای اساسی نظام بانکی اسلامی

در اسلام گرفتن بهره و معاملات ربوی، حرام و غیرشرعی محسوب می‌شود و نسبت به این امر حساسیت زیادی وجود دارد، تا آنجا که در قرآن مجید رباخواری به کرات مورد نکوهش قرار گرفته و معادل خوردن گوشت برادر و مردار قلمداد شده است. در مقابل، اعطای وام بدون بهره معروف به قرض الحسنه، امری بسیار والا و معادل دادن قرض به ایند منان تلقی شده است. در مقابل این لطف بزرگ وام دهنده، وام گیرنده نیز از نظر اخلاقی تمهیداتی را که در زیر شرح داده شده بر ذمه می‌گیرد:

— وام گیرنده باید بکوشد دین بر ذمه خود را در زمان مورد توافق و یا اولین فرصت ممکن پرداخت کند. البته در این مورد وام دهنده نیز نباید فشار زیادی به وام گیرنده وارد آورد.

— ارجح است وام گیرنده مبلغی بیش از اصل وام به وام دهنده بپردازد.

— معاملات ربایی بین افراد نزدیک و هم خانواده بدون اشکال است.*

با در نظر گرفتن این مطالب و ضوابط دیگری که در اسلام برای معاملات مختلف پیشبینی شده است می‌توان نتیجه گرفت که:

ورق بزنید

* کتاب تحریر الوسیله کتاب مکاسب... القول فی الربا... مسئله شماره ۹
«بین پدر و پسر و بین زوجین و بین مسلمان و کافر حرمی (گیرنده مسلمان) باشد ربا نیست ولی اگر پرداخت کننده مسلمان باشد ربا است بین مسلمان و اهل ذمه ربا هست».





اعطای قرض الحسنه و استفاده از آن تنها به عنوان یکی از خیرات و حسنات در جامعه مطرح شده است، نه به عنوان یک فعالیت اقتصادی.

– اخذ وام برای فعالیتهای اقتصادی، ترجیحاً از طریق نوعی شراکت میان وام دهنده و وام گیرنده امکانپذیر است.

– هرگونه پرداخت اضافه بر اصل از سوی وام گیرنده به وام دهنده در صورتی که وام گیرنده نسبت به آن رضا و رغبت داشته باشد مغایر اصول شرعی نیست.

– حرمت بهره در مورد ارزش پولی است که وام دهنده اعطاء کرده است نه لزوماً در مورد مبلغ ریالی پول.

نگرفتن و نپرداختن بهره، دلیل آن نیست که در محاسبات مربوط به سرمایه گذاری و تعیین اولویت انواع مختلف سرمایه گذاری نباید سود در نظر گرفته شود. در بیشتر اوقات، حتی بدون در نظر گرفتن تورم و یا با فرض تورم صفر، ارزش پول امروز برای اشخاص و یا برای اقتصاد به طور کلی، با ارزش آن در آینده متفاوت است. ممکن است اشخاص حقیقی در آینده، توان و امکانات استفاده از نقدینگی کنونی خود را از دست بدهند؛ برای کل اقتصاد نیز سرمایه گذاری امروز در صورتی دارای مطلوبیت و صرفه اقتصادی خواهد بود که در آینده

بازده مناسبی به همراه داشته باشد در هر صورت باز یافت سرمایه گذاری امروز مطمئناً با ریسک همراه است. بنابراین برای دست زدن به سرمایه گذاری باید انتظار بازگشت میزان بیشتری از اصل مبلغ سرمایه گذاری اولیه را داشته باشیم.

عملکرد سیستم کنونی در مقایسه با ضوابط اسلامی

بررسی عملکرد سیستم کنونی بانکداری ایران، به جهت انطباق آن با ضوابط و معیارهای شرعی نتایج زیر را به دست می دهد. اصولاً فعالیت بانکها دارای دو جنبه مختلف است: جنبه اول جلب سپرده و وجوه مازاد مردم و سرمایه گذاری آن از طریق اعطای تسهیلات و جنبه دوم ارائه یک رشته خدمات به اشخاص و دریافت حق الزحمه در برابر آن. حق الزحمه ای که به این صورت دریافت می شود یا ممکن است ثابت باشد و یا به تبعیت از زمان تغییر کند. در این صورت، اگرچه حق الزحمه با توجه به نرخهای رایج و احتمالاً برحسب زمان محاسبه می شود ولی لزوماً نمی توان به آن عنوان بهره داد. در زمان حاضر در نظام بانکی اشخاص به صورت زیر می توانند سپرده گذاری کنند. با افتتاح حساب

جاری (که از تسهیلات پرداخت به وسیله چک برخوردار می شوند) و سپرده گذاری در حساب قرض الحسنه و یا سپرده سرمایه گذاری. طبق مقررات به سپرده قرض الحسنه سودی تعلق نمی گیرد ولی جوایزی داده می شود که ممکن است در خورتوجه باشد. در حالیکه به سپرده های سرمایه گذاری سود تعلق می گیرد که عموماً میزان آن نزد بانکهای مختلف ثابت است و اگرچه به سود این سرمایه گذاریها عنوان علی الحساب داده می شود اما این ارقام علی الحساب پس از چندی به خودی خود قطعی می شود. این خود نشان می دهد که رابطه ای بین سود پرداختی به سپرده گذاران و عملکرد بانک و یا سودآوری پروژه های بانک برقرار نیست. از سویی دیگر بانک در پروژه هایی که سرمایه گذاری کرده و با ضوابط مختلف تسهیلات بانکی می دهد، عملاً به دریافت سهم سود ثابتی بسنده می کند و در زیان احتمالی آن و یا سهم سودی متناسب با عملکرد نهایی پروژه دخالت ندارد.

بانک عملاً به عنوان کارگزار دولت نیز عمل می کند. در این مورد، بانک مرکزی و سایر مراجع باید بر کار بانک اشراف داشته باشند. بانک مرکزی علاوه بر آنکه سپرده قانونی دریافت می کند (که می توان این امر را در آغاز، به نوعی بیمه اصل سپرده مردم تعبیر و توجیه کرد) در تعیین نرخ سودی که به

سپرده گذاران پرداخت می‌شود، و نیز در سهمیه بندی اعتباراتی که به مشتریان بانک اعطا می‌گردد، نرخ سودی که از مشتریان می‌باید گرفته شود و تصمیمات اساسی دیگری نقش دارد. پیگیری این قبیل سیاستها در عمل باعث شده که بانک آن طور که باید و شاید، باز یافت کافی به سپرده گذاران اعطا نکند. بویژه آنکه این سهم سود در بسیاری از سالهای گذشته حتی کمتر از نرخ تورم بوده است یعنی اگر سپرده گذار به جای سپردن وجوه خود نزد بانک آن را به کالا تبدیل می‌کرد بازده بیشتری عایدش می‌شد، و در حقیقت، در مقابل سپردن نقدینگی خود در بانک، به جای سود زبان کرده است. در مقابل، کسانی هم که از تسهیلات بانک استفاده کرده‌اند، سهم سودی که به بانک پرداخته‌اند که کمتر از رقم تورم بوده است. پس در حقیقت بابت وامی که از سیستم بانکی دریافت داشته‌اند، با در نظر گرفتن ارزش پول در بلندمدت، مبلغی کمتر از اصل وام دریافتی به بانک پرداخت می‌کنند. این کیفیت تقاضا برای وام را بسیار افزایش داده است و مقامات بانکی نیز بر اساس ضوابطی که لزوماً در برگیرنده تمامی جوانب اقتصادی امر نبوده است، تقاضاهای دریافتی را اولویت بندی کرده‌اند. همه این علتهای باعث شده نظام بانکی نتواند در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی نیازهای اقتصادی جامعه باشد و مردم به سوی بازار دیگری که به موازات سیستم بانکی تشکیل شده روی آور گردند.

مقایسه سیستم کنونی با سیستم بانکی در سایر کشورها

در مقایسه سیستم بانکداری کنونی رایج در ایران با سیستم‌های بانکداری در سایر کشورها مغایرت‌های عمده‌ای مشاهده می‌شود که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱ - حجم بالای نقدینگی

بانکها عموماً از حجم بالای نقدینگی برخوردارند. یعنی منابع پولی سرشاری در اختیار دارند که بظاهر از آنها استفاده کافی به عمل نمی‌آید. تأثیری که این مسئله ایجاد می‌کند نتیجه نقش دوگانه سیستم بانکی است. زیرا از یک طرف بانک وکیل و کارگزار سپرده گذاران خویش است و

باید سعی کند حداکثر سود را برای آنان به دست آورد. و از سویی دیگر سیستم بانکی عامل و کارگزار دولت است و در این چارچوب، در مسیر اهداف دولت گام برمی‌دارد. یکی از این هدفها کنترل حجم پول است. به عبارت دیگر اگر حجم پول در گردش بیش از مبالغ مورد نیاز جامعه باشد دولت تمایل خواهد داشت که در کاهش آن بکوشد. به این ترتیب اگر بانک بخواهد در این مورد نقش کارگزار را داشته باشد، نسبت به جمع آوری نقدینگی خواهد کوشید، و سعی خواهد کرد آن را از جریان خارج کرده و نزد خود بلوکه نماید. علت این امر کسر بودجه‌های متوالی دولت است، یعنی به عبارت دیگر در سالهای گذشته، به علت جنگ و عوامل دیگر، دولت همه ساله کسر بودجه داشته و هزینه‌هایش بیش از درآمدش بوده است. در نتیجه به میزان کسر بودجه خود از امکانات اعتباری بانک استفاده کرده و با دست به انتشار اسکناس زده است. اگر فرض شود کل اسکناسی که به این ترتیب منتشر می‌شود در دسترس عموم قرار گیرد، به علت آنکه به همین میزان کالای مصرفی در اختیار مردم نیست و در بازار کمبود وجود دارد، تورم پدید می‌آید و قیمتها به بالا صعود می‌کند. یکی از راههای کنترل این امر یعنی پایین نگه داشتن رشد قیمتها، کاستن از حجم نقدینگی است. کاستن از حجم نقدینگی عموماً از طریق دریافت مالیات و با تدبیرهای پولی امکانپذیر است. برای جبران کسر بودجه نیز تعدیل مالیات و با کاهش هزینه‌ها لازم است. با این حال چنانچه این امکانات در دسترس نباشد، می‌توان از طریق اعمال سیاستهای پولی در مورد جذب نقدینگی اضافی اقدام کرد.

جذب نقدینگی از طریق انتشار اوراق قرضه امکانپذیر است. در این مورد دولت ملزم می‌شود تا زمانی که نسبت به باز خرید این اوراق اقدام نکرده، سود آنها را بپردازد این امر باعث می‌شود که همچون هر قرض دیگری، دولت مجبور باشد در آینده هم اصل و هم فرع آن را پرداخت کند، که این برای دولت هزینه‌زا خواهد بود. به هر حال برگزیدن این روش به علت مبیانت آن با احکام اسلام و مغایرت آن با سیستمهای دولت، در حال حاضر مورد توجه قرار ندارد.

یکی از سیاستهای دولت در این مورد، محدود کردن امکانات بانکها برای در جریان انداختن وجوه است. این امر با انتشار اسکناسهایی با ارزش کم،

اخذ سپرده قانونی بیشتر، از بانکها توسط بانک مرکزی، محدود کردن حجم اعتباراتی که سیستم بانکی می‌تواند بدهد، و حتی گسیل داشتن پاره‌ای از طرحهای سرمایه‌ای که برای بانک، اقتصادی به نظر نمی‌آمده به سوی شبکه بانکی انجام شده است. در نتیجه جمیع این سیاستها، وجوه موجود نزد بانک انباشته شده و در نتیجه حجمی که به عنوان اعتبارات اعطایی قابلیت کسب درآمد برای بانک را دارد کاسته شده است. مثلاً فرض شود اگر بانک تنها از نیمی از سپرده‌های دریافتی از مردم استفاده کند نرخ سود دریافتی از گیرندگان اعتبار حداقل دوبرابر نرخ سودی باشد که به سپرده گذاران اعطاء می‌شود تا به این ترتیب حداقل بانک فاقد زبان بویژه باشد.

بی توجهی به سهم سرمایه گذار

در نظام بانکداری بدون ربا، سپرده گذاران عملاً در انجام پروژه‌ها و یا اعطای وامهای بانکی با بانک به مشارکت می‌پردازند. قاعدتاً این مشارکت نیز می‌باید با توجه به ضوابط قانونی و اصول اسلامی تنظیم شده باشد، اما به علت پاره‌ای مشکلات اجرایی، در دستیابی به اهداف خاص خود با مشکل همراه است.

بانک زمانی که برای مشتریان خود تسهیلات مالی فراهم می‌آورد، اگر چه طبق قرارداد می‌باید در سود و زیان آن شریک باشد، ولی عملاً تنها به دریافت سود مشخصی بسنده می‌کند و دیگر در زیان آن دخالتی ندارد. توجیه بانک نیز بر این اساس استوار است که سهم سود بانک نزد مشتری بیمه می‌شود تا به این ترتیب زبانی متوجه بانک نشود. چنانچه نفس بیمه نزد گیرنده تسهیلات را منطقی بدانیم، یعنی بپذیریم که فرضاً برای بانکی با امکانات گسترده، منطقی است که بتواند زیان حاصل در سرمایه گذاری خود را نزد یکی از مشتریان خویش، که بعضاً امکانات محدودی نیز دارند بیمه کند، به طریق اولی سپرده گذاران نزد بانکها نیز باید بتوانند سپرده خود را بیمه نمایند. این امر، زمانی که بانکها بخشی از وجوه خود را نزد بانک مرکزی اندوخته می‌کنند، حداقل از نظر تئوری به خاطر اطمینان از حفظ و بیمه اصل سپرده است. لذا بنا بر همین منطقی که گیرنده تسهیلات می‌تواند سهم ورق بزند

ارزیابی نظام بانکداری در ایران

بانک از سود سپرده را بیمه کند، بانک نیز مطمئناً خواهد توانست سهم سپرده گذاران را اصل سپرده، و سود آن را بیمه نماید.

در حال حاضر بانک وجوه دریافتی از سپرده گذاران را همانند وجوه خود صرف انجام معاملات بانکی می‌کند و سپس سود حاصل از این معاملات را تقسیم کرده، سهم سپرده گذاران را می‌پردازد و پس از کسر هزینه‌های بانک، مابقی، سود خالص بانک را تشکیل می‌دهد. اگرچه در انجام این گونه معاملات بانک سهم سپرده گذاران را کم و بیش با نرخهای از پیش تعیین شده‌ای که دولت وضع می‌کند می‌پردازد و بین بانکها از این بابت رقابت وجود ندارد با این حال سپرده گذاران در زمان حاضر با آگاهی از این نحوه عمل بانک نسبت به مشارکت با آنها اقدام می‌کنند. ضمناً بانک در اجرای سیاستهای دولت دست به اقداماتی می‌زند که لزوماً منافع سپرده گذاران را دربر ندارد و یا در حد امکان حفظ نمی‌کند. فرضاً بانک ممکن است از محل سپرده سپرده گذاران نسبت به سرمایه گذاری در پروژه‌هایی اقدام کند که سود کمی دارد، لیکن از نظر ملی و اقتصادی برای مملکت مفید است. اگرچه این اقدام به خودی خود درست و اصولی است لیکن شاید برخی سپرده گذاران به این امر رضایت نداشته باشند که بانک از محل وجوهی که نزدش به امانت گذاشته شده تا حداکثر بازده را به دست آورد، دست به چنین اقدامی بزند. این قبیل مسائل، و نیز این واقعیت که بانک مجری سیاستهای دولت است، یعنی می‌باید اهدافی فراتر از کسب حداکثر سود را دنبال کند باعث می‌شود که سیاستی را در پیش گیرد که با تئوری اولیه نظام بانکداری اسلامی متفاوت باشد. یعنی اگر فرضاً سپرده گذاری با هدف کسب حداکثر سود وجوه خود را به طور امانت به بانک بسپارد ولی از جهتی دیگر بانک روی پروژه‌هایی سرمایه گذاری کند که از ابتدا می‌داند که بازده درخور توجهی ندارد و یا مثلاً براساس معیوز دولت، به پاره‌ای از بخشهای اقتصادی از قبیل صنعت و کشاورزی با نرخهایی پایینتر از معمول وام داده است، این امر به ما نشان می‌دهد که منافع سپرده گذار حداقل براساس تئوری نظام بانکداری حفظ نشده است.

اگر بانک را به عنوان ابزاری در اختیار دولت برای اجرای سیاستهای پولی آن بگیریم، می‌باید این مهم به نحوی انجام شود که اولاً به حسن اعتماد مردم نسبت به سیستم بانکی لطمه نخورد و ثانیاً اهداف عالی اسلامی جامعه عمل پیوشد. اگر قرار باشد که مثلاً سود سپرده مردم کمتر از نرخ تورم باشد، این مسئله باعث می‌شود که مردم رفته رفته از سیستم بانکی سلب اعتماد کنند و وجوه خود را در مجرای دیگری که بعضاً مشکل آفرین هم هستند به جریان اندازند. این گونه فعل و انفعالها، اگر مغایرت صریحی با اهداف نظام بانکداری هم نداشته باشد نمی‌توان پذیرفت که با نظامی صحیح و منطقی انطباق دارد و از نظر موازین شرعی فاقد اشکال است.

به منظور رفع این مشکل می‌توان پیشنهاد کرد که بانکها به جای آنکه سپرده گذاران را با نسبت نامعلومی در کل سود حاصل از معاملات خود سهم و شریک بدانند، به صورت کارگزار عمل کنند و در هنگام اخذ سپرده از سپرده گذاران اعلام کنند که مثلاً چند درصد از درآمد حاصل از به کار انداختن این سپرده را به عنوان سهم خود بانک برداشت می‌کنند و بقیه را به صاحبان سپرده باز پس می‌دهد. به این ترتیب بانکها با سپرده‌ها به صورت وجوه اداره شده برخورد خواهند کرد. [به عنوان مثال، بانک می‌تواند اعلام کند که بابت خدماتی که ارائه می‌دهد به میزان ۲۵٪ از درآمد حاصل از سرمایه گذاری در پروژه‌ها را برداشت خواهد کرد. لذا با فرض آنکه ۵۰٪ از سپرده‌های دریافتی از مشتریان بابت سپرده قانونی نزد بانک مرکزی برداشت شده و یا نزد بانک به جریان نرفته، باقی می‌ماند برای آنکه سپرده گذار فرضاً ۱۲٪ سود کسب کند، می‌باید وجوه مذکور در پروژه‌هایی سرمایه گذاری شود که ۳۲٪ باز یافت دارند.]

حجم بالای دارایی غیر جاری

حجم چشمگیری از منابع سیستم بانکی به صورت داراییهای ثابت درمی‌آید. پس از قانون ملی شدن بانکها، بانکهای مختلف در هم ادغام شدند و چند بانک نسبتاً بزرگ تشکیل شد. در پی این تحول، بانکهای عمده به تجدید سازمان و حذف شعب غیرکارا اقدام کردند که در نتیجه شعبه‌های زیادی از سیستم بانکی خارج شدند که محل آنها همچنان در گوشه و کنار شهردون استفاده اصولی باقی مانده است. بانکها پس از اجرای قانون حفاظت و

بند «ج» آن، در سهام تعداد زیادی شرکت سهامی شده‌اند. پاره‌ای از وامهای بانکی که پرداخت نشده باقی مانده بود به اجرا گذاشته شده و مورد رهینه آن به تملک بانک درآمده است. به علت وجود تورم در کل اقتصاد، تمایل بیشتر مردم به حفظ و نگهداری داراییهای غیر نقدی در مقابل دارایی پولی بوده است. همین مسائل باعث شده که بانکها دارای حجم چشمگیری از اموال به شکل زمین، ساختمان، ماشین آلات و سهام کارخانجات گردند. این امر اگرچه سود بانک را در پی دارد، لیکن زیانهای نیز به دنبال خواهد داشت. خارج کردن حجم درخور ملاحظه‌ای از سرمایه‌ها از بازار، خود باعث تشدید تورم می‌شود. یعنی حجم ثابتی از پول به دنبال کالای کمتری روان است و لذا فشار بابت افزایش بها به وجود خواهد آمد. حجم چشمگیری از منابع بانک به صورت دارایی ثابت درآمده که اگر چه به علت تورم ارزش آن منابع حفظ می‌شود لیکن از گردش در سیستم بانکی خارج شده و سودی را که می‌توانست از این راه به دست آورد از کف می‌دهد. حجم مهمی از منابع بانک که به صورت دارایی ثابت درآمده است، محتاج تجدید ارزیابی است تا بتواند سود هرسال و به تبع آن سهم سپرده گذاران را مشخص کند. و این امر انجام نگرفته است.

با توجه به قوانین و مقررات متداول بانکی، بانکها از نگهداری داراییهای ثابتی که در اثر تملک رهینه به دست آمده، منع شده‌اند. در این مورد نه تنها می‌باید به علل پیشگفته توجه کرد، بلکه عدم ارائه رهینه به بازار باعث می‌شود بر سوء استفاده‌های احتمالی و یا ناکاراییها سرپوش گذاشته شود. به عنوان مثال، اگر مورد رهینه یک وام، فرضاً معادل نصف آن وام ارزش داشته باشد و به تملک بانک درآید، و فرضاً پس از ۱۰ سال به فروش برسد و در این ۱۰ سال، تورم همه قیمتها را ۱۰ برابر کرده باشد، مورد رهینه به ۵ برابر وام اولیه به فروش خواهد رسید و از این بابت سود درخور توجهی عاید بانک خواهد شد، در صورتی که در واقع زیان چشمگیری داشته که در اثر تورم بر روی آن سرپوش گذاشته شده است.

ناکارایی سیستم هنگام تعلل مشتری

یکی دیگر از مواردی که سیستم بانکی ایران در مقایسه با سایر کشورها دچار ناکارایی است نحوه برخورد با مشتری در هنگامی است که مشتری از

دنباله پیدایش بانکداری در ایران

به دو منطقه نفوذ، تمام کوشش‌ها را نقش بر آب کرد. تا آنکه در دومین سال سلطنتی رضاشاه لایحه قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران تقدیم مجلس شد و در جلسه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ به تصویب نهایی رسید.

پس از آنکه در ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۶ قانون «اجازه استخدام متخصصین بانکی از اتباع سوئیس با آلمان» به تصویب مجلس شورای ملی رسید دکتر کورت لنین بلات،* که سابقاً ریاست بانک اعتبارات صفویه را به عهده داشت به خدمت بانک دعوت و به ریاست آن گمارده شد. در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۰۷ اعلان تشکیل رسمی بانک از طرف وزیر مالیه و رئیس بانک صادر و منتشر گردید.

بدین ترتیب بانک ملی ایران با سرمایه ای ناچیز (بیست میلیون ریال که هشت میلیون ریال آن برداخت شده بود) به وجود آمد. ●

۱۳۷۰/۶/۲۰

ه سفرنامه اوژن فلائند به ایران، ترجمه محمدصادقی

* Kurt. Linden bladt

دنباله

قانون عملیات بانکداری بدون ربا

با فرض تضمین سود، بانک از نگاهداری یک رشته حسابهای بیمورد خودداری می‌کند و همان کاری را انجام می‌دهد که نهایتاً ناچار است انجام دهد. به اعتقاد نگارنده مضاربه و مشارکت مدنی دو شیوه مناسب در به کارگیری سرمایه بانکها و ایجاد امکان برای مؤسسات اقتصادی متقاضی سرمایه است و می‌تواند سود معقولی نیز برای بانکها به وجود آورد، ضمن اینکه با ارزشهای اسلامی نیز منطبق است. ولی بدون ایجاد سیستم نظارتی کامل در بانکها و ایجاد فرهنگ مشارکت در مؤسسات اقتصادی، تحقق عملی این دو مکانیسم غیرممکن خواهد بود و شاید بهترین بود که ابتدا این عملیات در یک بانک تخصصی، در حوزه‌ای محدود عملی می‌شد و تدریجاً گسترش می‌یافت. ●

تهران - شهریورماه ۱۳۷۰

فرارسید. انقلاب مشروطیت توقعات و آرزوهای طبقه روشنفکرپیشرو جامعه را به طیف وسیعی از مردم سرایت داده بود. رنگین‌کمانی از خواستهای ملی در فضای سیاسی به درخشش درآمده بود. خواستهای روشن اندیشان پشتوانه ملی یافته بود و نیرومندان مطرح می‌شدند، پس راه عملی برای اجرا طلب می‌کرد. متفکران نه تنها دردها و کمبودها و خرابیها را نشان می‌دادند، بلکه به دنبال چاره، طرحهای عملی درمی‌انداختند و از تجربیات ملل پیشرفته سود می‌جستند.

قطعه زیر اثر ملک الشعرای بهار زبان حال روشنفکران و نمایندگان شایسته ملت بود:

زبس گفتند...

زبس گفتند ایران بی حساب است
زبس گفتند ایرانی خراب است
زبس گفتند این ملت فضول است
زبس گفتند این ملت جهول است
کنون پرگشت گوش ما از این ساز
دگر نبود اثر در هیچ آواز
چو درش گویی و درمان‌نگویی
یقین می‌دان تو عزرائیل اویی

و بدین ترتیب هنگامی که دولت از مجلس شورای ملی اجازه استقراض خارجی خواست احساسات ملی که از وامهای گذشته و رفتار بانکهای بیگانه در تحقیر و استثمار این ملت جریحه دار بود به هیجان آمد و نمایندگان ملت در تاریخ ۲۵ آذر ۱۲۸۵ (نهم زریقعه ۱۳۲۴ قمری) ضمن مخالفت با استقراض خارجی تأسیس یک بانک ملی را خواستار شدند. پس از آنکه جمعی از بازرگانان و صرافان تعهد مشارکت کردند و اجازه تشکیل بانک صادر شد اعلان آن در تاریخ ۹ آذر ۱۲۸۵ منتشر گردید.

خیر تشکیل بانک ملی با سرمایه ۱۵ میلیون تومان (۳۰ کرو) با استقبال مردم روبرو شد در پی آن فرمان سلطنتی دایر بر اعطای امتیازات گوناگون به مدت ۱۱۰ سال به بانک ملی صادر گردید اما تغییر ناگهانی وضع سیاسی و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بین دو دولت روسیه و انگلستان دایره تقسیم ایران

اجرای تعهدات سر باز می‌زند. در گذشته که بانکها وام صنعتی و یا انواع تسهیلات را در اختیار مشتریان قرار می‌دادند و آنان از اجرای تعهدات به دلایل مختلف ابا می‌کردند، تنها راه چاره به اجرا گذاشتن قرارداد وام در نهایت تملک مورد رهنه و یا وثیقه وام بوده است. این امر گرچه در ظاهر اصولی و ساده می‌نماید، ولی در عمل نیازمند صرف وقت و هزینه چشمگیری است. از اینها گذشته تملک مورد وثیقه عموماً به توقف کارخانه منجر می‌شود که پیامدهای ناگوار این امر از نظر اجتماعی و اقتصادی روشن است. به منظور رفع این مشکل، در قبل از انقلاب از قانون حمایت از صنایع و با ایجاد یک هیئت امناء برای اداره کارخانه مورد وثیقه استفاده می‌شد. در بعد از انقلاب نیز قانون حفاظت، بویژه بند «ج» آن عملاً جایگزین این مورد شد. جا دارد در این باره قوانین تجاری بازنگری شود و در موارد تعلق وامگیرنده در باز پرداخت وام تحت ضوابطی مختلف اقدام شود. می‌توان در قراردادهای وام این مسئله را گنجانده. همچنین می‌توان از طریق استفاده مجدد از قانون حفاظت و توسعه صنایع و با قانون حمایت از صنایع و با قوانین مشابه، هنگامی که وامگیرنده از اجرای تعهدات سر باز می‌زند مسئولیت اداره کارخانه (یا شرکت) را از صاحبان اولیه و هیئت مدیره منتخب آنان منفک کرد و هماهنگ با نظارت بانک وام‌دهنده و احتمالاً دیگر بستانکاران، گروهی مأمور اداره شرکت شوند تا منافعشان در شرکت به خطر نیفتد. ●

تسلیت

با کمال تأسف باخبر شدیم، آقای محمدرضا سجادی که از ده سال پیش عضو انجمن حسابداران خیره ایران بودند، به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. این مصیبت را به همکاران و خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گوئیم.